

چیستی «اسلام ناب» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۴

امین بختیاری^۱

مهدی حسین‌زاده یزدی^۲

چکیده

اسلام ناب در منظومه فکری رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، مفهومی بنیادین است و تمام ارجاعات و استدلال‌ات ایشان بر مبنای این مفهوم صورت می‌گیرد. اسلام ناب در مقابل مفهوم اسلام آمریکایی قرار می‌گیرد. در این مقاله با بررسی مهم‌ترین ارجاعات موجود در سخنرانی‌ها و آثار ایشان از قبل از انقلاب تاکنون می‌کوشیم تا مفهوم اسلام ناب و ابعاد آن را بررسی کنیم. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تحلیل محتواست. براساس نتایج پژوهش، در اندیشه رهبری، اسلام ناب، تمام ابعاد حیات بشری را مورد توجه قرار می‌دهد و در کنار بعد فردی، به بعد اجتماعی و سیاسی نیز اهمیت می‌دهد. بر همین اساس دین از سیاست جدا نیست و بر اثر توجه به این بعد از سوی امام خمینی بود که انقلاب اسلامی شکل گرفت و نظریه مردم‌سالاری و ولایت فقیه مطرح شد. استکبار ستیزی، اهمیت به تعقل و تدبیر، حمایت از مظلومان و اهمیت به ایثار و جهاد، ایمان عملی از ویژگی‌های اساسی اسلام ناب است و در مقابل، اسلام آمریکایی تحت تأثیر تحجر و روشنفکری، ظلم‌پذیر و حامی مستکبران، بی‌توجه به زندگی دنیا و دارای رویکردی فردگرایانه است.

واژگان کلیدی: اسلام ناب، اسلام آمریکایی، اسلام متحجرانه، اسلام روشنفکرانه، اسلام

سرمایه‌داری

۱ کارشناس ارشد رشته دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) amin.bakhtiari@ut.ac.ir

۲ استادیار گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ma.hoseinzadeh@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم اسلام ناب نخستین بار توسط امام خمینی (ره) مطرح شد. در دیدگاه امام خمینی (ره)، به ترتیب دو گفتمان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی در تقابل یکدیگر مطرح می‌شوند و نقطه مرکزی اسلام ناب درحقیقت مفهوم «حاکمیت الله» است. دوگانه اسلام ناب-اسلام آمریکایی به مثابه ایده محوری با انقلاب اسلامی ایران تولد می‌یابد. اسلام ناب-اسلام آمریکایی، جان‌مایه اندیشه امام خمینی رحمه‌الله علیه، نظریه‌ای جامع است که قابلیت تبیین بسیاری از شکاف‌ها و پدیده‌های اصلی جهان اسلام را داراست. این نظریه می‌تواند به مثابه یک اندیشه بدیل، از بسیاری از مسائل به ظاهر غیرقابل حل موجود، صورت‌بندی جدید و راهگشایی دست دهد (نادری، ۱۳۹۴).

به منظور شناخت دقیق مفهوم اسلام ناب لازم است تا نگاه تاریخی کوتاهی به چگونگی تکوین و شکل‌گیری این ایده در اندیشه امام داشته باشیم. در نگاه امام خمینی، وجود دو نوع اسلام از اساس ریشه در تاریخ اسلام داشته و موضوعی مربوط به این روزگار نیست. ایشان در پیامی که در اسفند ۱۳۵۱ خطاب به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مقیم اروپا، آمریکا و کانادا داشت می‌نویسد: «انتظار آن است که جوانان روحانی و دانشگاهی مسلمان، اسلام واقعی را بشناسند و بشناسانند. ملت اسلام را بیدار و آگاه ساخته، تبیین اسلام پیغمبر خدا و اولیای او را از اسلام ساختگی امثال معاویه و حکومت‌های غاصب و جائر دولت‌های دست‌نشانده استعمار- که از تلویزیون‌ها، رادیوها و وزارتخانه‌ها به خورد مردم می‌دهند- به آنان برسانند؛ و به دنیا بفهمانند این اسلامی که دولت‌های دست‌نشانده از آن دم می‌زنند و کنفرانس، به اصطلاح، وحدت اسلامی تشکیل می‌دهند، اسلام ساخته و پرداخته سلاطین اموی و عباسی می‌باشد که در برابر قرآن و آیین مقدس پیامبر بزرگ اسلام درست شده است...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۸۷).

تمرکز امام در دوران پیش از خرداد ۱۳۴۲، بیشتر بر طرح مبادی و مبانی ایده اسلام ناب و تمایز آن با اسلام آمریکایی بود. در این سال‌ها، امام در سخنان و نامه‌های خود به ابعاد مختلف اسلام حقیقی و تمایز آن با اسلام انحرافی اشاره می‌کرد. امام در این ساها از جامعیت اسلام و رویکرد اجتماعی سیاسی آن سخن می‌گفت و اسلام مورد توجه اسلام‌نمایان را اسلام ناقص و غیر انقلابی معرفی می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱۰). پس از خرداد ۱۳۴۲، تا سال‌های انقلاب، تمرکز امام بیشتر بر نفی اسلام متحجرانه به عنوان بعد مهمی از اسلام غیرحقیقی بود. در دو سال

آخر عمر امام خمینی ایشان تجربه نظری و عملی ربع قرن درگیری میان قرائت انقلاب اسلامی از اسلام با اسلام مقدس‌مآب و اسلام متجددمآب را مفهوم‌سازی می‌کنند. پس از دو و نیم دهه، این درگیری ژرف معنایی، در قالب واژگان و مفاهیم دوگانه اسلام ناب-اسلام آمریکایی چارچوب‌بندی می‌شود. در این ایام، امام به صراحت بیان می‌کند که «هنوز برای بسیاری از ملت‌های اسلامی مرز بین «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‌نماهای متحجر و سرمایه‌داران خدانشناس و مرفهین بی‌درد کاملاً مشخص نشده است...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۸). در همین ایام، امام ضمن روشن کردن ابعاد مختلف این دو نوع اسلام خطاب به علمای اسلام می‌فرماید که « شما باید نشان دهید که چگونه مردم، علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپسگرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام امریکایی کردند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۴۰).

اما اگر طرح ایده اسلام آمریکایی - اسلام ناب و نشان دادن اینکه این امر ریشه در تاریخ اسلام دارد را مرهون تلاش امام (ره) بدانیم، شرح و بسط این نظریه و نیز بازخوانی مجدد متن آن را باید در اندیشه مقام معظم رهبری جستجو کرد. به عبارتی ایشان در راستای اندیشه امام، ضمن پایبندی به اصول مطروحه این نظریه در بسط و توسعه مصادیق و ابعاد مختلف آن گام برمی‌دارد. رهبری طی دوره‌ای حدوداً یک‌ساله پس از رحلت امام، به تشریح مفاهیم این نظریه پرداخته و با مفهوم‌سازی‌های متعدد، ادبیات این نظریه را گسترش می‌دهد. شاید بتوان نمونه کامل و جمع‌بندی این دوره را در پیام ایشان در اولین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله مشاهده کرد. آنجا که کلیت مدرسه فکری امام خمینی رحمه‌الله علیه و همچنین لایه‌های بنیادین و معرفتی انقلاب اسلامی را در چارچوب دوگانه اسلام ناب-اسلام آمریکایی تشریح می‌کند و پس از آن در سال‌های بعد به مصادیق بیشتر آن اشاره می‌کند.

اسلام ناب در منظومه فکری مقام معظم رهبری نقشی بنیادین ایفا می‌کند. ایشان در مقام ترسیم آرمان‌ها، چگونگی اندیشه و عمل یک جامعه ایده‌آل، نظریه‌پردازی در مورد حکومت و ساختار آن، تشریح ارکان حکومت، تعیین اهداف و برنامه‌ها در سیاست خارجی و داخلی، اولویت‌گذاری‌ها در بین اهداف و راهبردها، تعیین الگو و معیار عمل برای همه گروه‌ها و اقشار گوناگون جامعه و... به الگوی مشخصی از اسلام ارجاع می‌دهد و با توجه به اصول و قواعد

اسلام، استدلال‌ات خود را بیان می‌کند. در یک نگاه کلی‌تر و به بیان دیگر، می‌توان گفت درک، تفسیر و موضع‌گیری‌های ایشان در مقابل «هست‌ها» و واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، بر مبنای جهان‌بینی اسلامی صورت می‌گیرد و «بایدها و نبایدها» و هنجارها با توجه به آن تعیین می‌شود. این مقاله به منظور شناخت نظام فکری دینی رهبری، قصد دارد با توجه به بیانات و آثار ایشان مفهوم اسلام ناب را به عنوان نقطه محوری اندیشه ایشان، مورد بررسی قرار دهد و ضمن به تصویر کشیدن مهم‌ترین ارکان تفکر اسلامی از نظر رهبری، ویژگی‌ها و مصادیق اسلام ناب و تقابل آن را با اسلام آمریکایی نشان داده و زمینه‌های ظهور اسلام‌های غیرناب را از منظر ایشان بررسی کند. از این‌رو، این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است: مفهوم اسلام ناب و مؤلفه‌های آن در اندیشه مقام معظم رهبری، آیت الله خامنه‌ای، کدام است.

سؤالات پژوهش

هدف این پژوهش بررسی مفهوم اسلام ناب و مؤلفه‌های آن در اندیشه مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای می‌باشد. بر این اساس مهم‌ترین سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

- ارکان بنیادین تفکر اسلام ناب در نگاه رهبری کدام است؟
- مؤلفه‌ها و مصادیق اسلام ناب و اسلام آمریکایی در اندیشه رهبری کدام است؟
- عوامل گرایش به اسلام غیرناب (آمریکایی) در اندیشه رهبری چه مواردی است؟

پیشینه پژوهش

در زمینه مفهوم اسلام ناب تاکنون پژوهش‌های چندی انجام شده است. از آنجاکه واضع و طراح مفهوم اسلام ناب و اسلام آمریکایی امام خمینی (ره) بودند، تقریباً غالب این پژوهش‌ها بررسی خود را معطوف به نظرات و اندیشه‌های امام خمینی در این باره معطوف داشته‌اند.

موسوی سردشتی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی ویژگی‌های اسلام ناب محمدی (ص) در نهج‌البلاغه با تکیه بر نظریات امام خمینی (ره)»، ضمن بررسی معناشناسی اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی، مهم‌ترین ویژگی‌ها و مؤلفه‌های اسلام ناب محمدی و پیامدهای برقراری آنها را در نهج‌البلاغه با تکیه بر نظریات امام خمینی (ره) بررسی می‌کند. کار وی در واقع نوعی بازخوانی نهج‌البلاغه براساس آموزه‌های امام خمینی در دوران معاصر است.

فیاض (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «اسلام ناب در چالش با اسلام تحجری و اسلام امریکایی»، معتقد است که اسلام ناب محمدی که امام آن را اسلام اصلی می‌نامد، اسلامی است که توسط نخبگان ترسیم نمی‌شود، بلکه توسط مردم براساس فطرت الهی ترسیم می‌شود و در زندگی طیبه تجلی می‌یابد و این همان اسلامی بود که براساس آن انقلاب اسلامی رخ داد. وی بیان می‌کند که اسلام تحجری و اسلام امریکایی برخاسته از اراده نخبگان و به دور از مردم است و این هر دو، دو لبه یک قیچی برای از بین بردن اسلام ناب هستند.

احمد بت (۱۳۸۸) در کتاب «اسلام ناب محمدی در اندیشه امام خمینی (ره) و اقبال لاهوری» تلاش می‌کند تا نشان دهد همراهی با ایده اسلام ناب در اندیشه سایر متفکرین مسلمان نیز دیده می‌شود. او برای این مدعا به لاهوری و مفهوم «اسلام خانقاهی» مطرح شده او اشاره می‌کند و معتقد است که اسلام خانقاهی و اسلام امریکایی دو شقه از اسلام غیرناب هستند.

فلاح پور (۱۳۸۱) در مقاله «ابعاد و مرزهای اسلام ناب محمدی (ص) از دیدگاه امام خمینی (ره)» ضمن نشان دادن تصویر احیاگرایانه از امام خمینی (ره) تلاش نموده است تا ویژگی‌ها و ابعاد این مفهوم را در اندیشه امام نشان دهد. از نظر وی، ایده اسلام ناب درحقیقت بازگشت به آرمان‌های صدر اسلام است که خود را در ابعاد دین‌شناسانه، فقهی، سیاسی و اجتماعی در شرایط کنونی متبلور می‌سازد.

متأسفانه به‌رغم اهمیت موضوع، تاکنون پژوهش مستقلی، مفهوم اسلام ناب را در اندیشه رهبری بررسی نکرده است. نخستین وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها از حیث بررسی است که اولاً، مفهوم اسلام ناب را در اندیشه رهبری کنونی جمهوری اسلامی بررسی کرده و از این حیث هم تطبیق آن را با نظام فکری امام خمینی به تصویر کشیده است و هم تناسب آن را با شرایط فعلی نشان می‌دهد و ثانیاً، نشان می‌دهد که اسلام ناب در اندیشه رهبری نه یک مفهوم مستقل که مفهومی مرکزی برای سایر ارجاعات اندیشه ایشان است.

تعریف مفاهیم

دین

بدون تردید، واژه «دین» از آن دسته مفاهیمی است که همواره در میدان آرا و نظرات گوناگون صاحب‌نظران قرار داشته است (مصباح یزدی، ۱۳۶۵: ۲۸) ولی به دست آوردن یک توافق مشترک درباره آن بسیار مشکل است.

واژه «دین» در لغت به معناهای گوناگونی از جمله جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آنها آمده است. در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد که از آنها معنای جزا، شریعت و قانون، طاعت و بندگی استنباط می‌شود (علیزاده، ۱۳۷۱: ۶۶). همین موارد استعمال واژه «دین» در قرآن می‌تواند راهی شمرده شود برای شناسایی و به دست آوردن تعریف دین از دیدگاه اسلام. با این دقت، در خواهیم یافت که «دین عبارت است از اطاعت، گرایش، فرمانبرداری و تسلیم در برابر حقیقت» که در این صورت، با معانی لغوی نیز سازگاری بسیار خواهد داشت.

با توجه به توضیحاتی که داده شد در معنای اصطلاحی «دین» چنین است: «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد». در تعریف مشابه و متداول دیگری، «دین برابر است با اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این عقاید.» (مصباح یزدی، ۱۳۶۵: ۲۸) و در تلخیصی از کلام علامه طباطبایی چنین آمده است: «دین نظام عملی مبتنی بر اعتقاد است که مقصود از اعتقاد در این مورد، تنها علم نظری نیست؛ هرچند که علم نظری برای آن نیز ضرورت دارد؛ زیرا علم نظری به تنهایی مستلزم عمل نیست؛ بلکه مقصود از اعتقاد، علم به وجوب پیروی بر طبق مقتضای علم قطعی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۸).

تقسیمات دین

به تناسب مباحث مربوط به تعریف دین، تقسیمات مختلفی برای آن مطرح است که یکی از آنها دین حداقلی و حداکثری است. طرفداران دین حداقلی بر این باورند که «هرچند اسلام کامل است؛ اما چون تنها متکفل حوزه سرپرستی بشر است، دیگر نباید برای آن، تعهدی نسبت به دیگر عرصه‌ها قائل شد. دین کامل است و از طرفی جامعیت و فراگیری در همه زمینه‌ها را ندارد.» (مجتهد شبستری، ۱۳۸۵: ۲۰). بنابراین دیدگاه، دین صرفاً در حوزه سعادت و ابدیت انسان خلاصه می‌شود و هرگز متکفل تنظیم نظام معیشت دنیوی بشر نیست. پس فراتر از امر سعادت بشر را نمی‌توان از دین انتظار داشت و بیش از این حوزه را نباید از رسالت انبیا متوقع بود.

با این وصف، دین یک ضرورت است؛ اما یک ضرورت حداقلی؛ یعنی چند دین می‌تواند یک حقیقت کامل باشد؛ اما الزاماً جامع نیست. پس تفکیک بین جامعیت و کمال دین امری پذیرفتنی است. طرفداران این تعریف اندیشمندانی مانند دکتر سروش، مهندس بازرگان و محمد مجتهد

شبه‌تری هستند. آنان بر این باورند: «امر مشکل ما این است که با وجود تغییر بنیادین در شیوه زندگی مسلمانان قرائت رسمی از دین هنوز همان محتوا و شکل سابق را دارد و می‌خواهد درباره چگونگی مدیریت این شیوه جدید زندگی با زبان تعیین حلال و حرام سخن بگوید و معین کند که حکومت چه باید بکند و چه نباید کند؛ درحالی‌که مدیریت این شیوه جدید زندگی در کلیت خود خارج از شمول و تیررس احکام فقهی است.» (همان، ۲۱)

درمقابل، قائلین به دین حداکثری معتقدند علاوه بر کمال باید برای دین، جامعیت را نیز قائل شد. بنابراین، دین هم «تاریخ‌ساز» است و هم «جامعه‌ساز و هم «فردساز». رسالت دینی قبل از اینکه رسالت فردی باشد، رسالتی تاریخی است و سپس در سایه تکامل تاریخ است که ساختارهای اجتماعی ساخته می‌شود و در قالب این ساختارهاست که روابط فردی تعریف می‌گردد» (میرباقری، ۱۳۷۸: ۷۴).

هرچند در این میان، قرائت‌های دیگری نیز نسبت به جامعیت دین وجود دارد؛ اما این قرائت از تمامی آنها گویاتر است که باید از منظر تاریخ به جامعه و فرد نگریست. بنابراین تمامی عرصه‌های حیات انسانی بشر باید توسط دین تدبیر شود. آنچه دین عنوان می‌کند خیر محض است. عقل بشری بدون رجوع به دین در تمامی عرصه‌ها مطلقاً ناتوان است. لذا تمام ملاک‌ها و شاخصه‌ها را باید از دین اتخاذ کرد و نمی‌توان بدون مراجعه به دین به عقل جمعی بشر و تجربه انسانی و سیره عقلا مراجعه و استناد کرد. آنچه در استدلال و ادعای این قرائت نهفته است این است که: برداشت عمومی مسلمانان از گستره جامع دین همواره بر این بنا قرار داشته که فرامین اسلام و گستره تعالیم انبیا تمامی ابعاد زندگی انسان را فرا گرفته است (همان، ۷۷).

رجوع به اندیشه امام نیز نشان از آن دارد که ایشان دین حداکثری را به عنوان الگوی مطلوب می‌دانند. امام با تشکیل حکومت دینی درحقیقت ادعای نظری خویش را به منصفه ظهور رساند و تحقق عینی آن را به همگان اثبات نمود. امام خمینی دین اسلام را دین جامع‌الاطراف می‌دانست که در همه موضوعات اجتماعی، سیاسی اقتصادی و مبانی موضوعات تجربی و جهان خلقت، نظر دارد. از نظر امام «اسلام همه چیز است؛ یکی از بدترین چیزهایی که اجانب در بین مردم و در بین خود ما القا کرده است این است که اسلام برای این است که ما فقط همان عبادت [روابط فردی و اخروی] بکنیم؛ مثل مذهب حضرت مسیح علیه السلام ... اسلام را به صورت دیگری نشان دادند و این از کیدهایی بود که با نقشه‌ها پیاده شد و ما خودمان هم باور کردیم... آخوند را به سیاست

چه؟ این حرف استعمار است... اسلام همه چیز است؛ قرآن همه چیز است؛ انسان همه چیز است و باید همه احتیاجات او را قرآن تأمین کند...» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۵: ۱۶۹).

روش پژوهش

در این مقاله از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. تحلیل محتوا از رویکردی خاصی برای تحلیل داده‌ها دارد. این رویکرد خاص بیشتر ناشی از نحوه تلقی از موضوع تحلیل محتوا می‌باشد. تحلیل محتوا را تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها تعریف کرده‌اند (کرپندورف، ۱۳۸۳: ۷۸).

تحلیل محتوا گونه‌های متعددی دارد که در این مقاله برای استخراج داده‌ها از متن فرمایشات و بیانات مقام معظم رهبری در سال‌های پس از انقلاب و برخی مکتوبات ایشان پیش از انقلاب از گونه تحلیلی - اسنادی بهره گرفته شده است. بر این اساس، بر مبنای جامعه آماری سخنرانی‌ها و آثار مکتوب آیت‌الله خامنه‌ای از پیش از انقلاب تاکنون، اسناد مربوط به موضوع، جمع‌آوری و بررسی و تحلیل و مقوله‌های مورد نظر در راستای رسیدن به پاسخ‌های متقن به سؤال‌های مطرح شده استخراج، ترکیب و جمع‌بندی شده است.

تکنیک تحلیل چارچوب مفهومی است. در این فن، مفاهیمی که به یک نظام تحلیلی در موضوع اسلام ناب و اسلام آمریکایی از نظریه‌ها و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری مرتبط می‌شوند، استخراج و در چارچوبی، که موضوع را مفصل‌بندی می‌کنند، ساختار بندی می‌شوند (باردن، ۱۳۷۵: ۶۴)

یافته‌های پژوهش

ارکان اسلام ناب از منظر رهبری

در این قسمت مبتنی بر نخستین سؤال این مقاله؛ یعنی این موضوع که ارکان بنیادین تفکر اسلام ناب در نگاه رهبری کدام است به آن پاسخ می‌دهیم.

رهبر معظم انقلاب به منظور ارائه طرحتی از اسلام که ویژگی‌های فوق را داشته باشد، با توجه به آیات قرآن و روایات، مهم‌ترین ارکان فکری اسلام ناب را در سخنرانی‌های خویش بیان می‌کند. توحید، نبوت، ولایت و ایمان مهم‌ترین ارکان و پایه‌های اسلام هستند. رهبری در سخنرانی‌های خویش، برای توضیح و اثبات نظرات خود مبتنی بر محوریت قرآن، به آیات متعددی اشاره

می‌کند. این ارکان درحقیقت بنیان‌هایی هستند که مصادیق مشخص در زمینه اسلام ناب، مبتنی بر آنها معین می‌گردند.

الف) توحید

در دیدگاه رهبری، توحید رکن اصلی اسلام است. در جهان‌بینی اسلام، همه پدیده‌های جهان، وابسته، آفریده و بنده یک قدرت برترند؛ «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ...» (بقره، ۲۵۵). توحید قرآن، نگرشی بی‌تفاوت و غیرمسئول نیست بلکه شناختی متعهد، و بینشی فعال و سازنده است و طرز فکری است که در بنای جامعه و اداره آن، ترسیم خط سیر آن، تعیین هدف آن و تأمین عناصر حفظ و ادامه آن، دارای تأثیر تعیین‌کننده است.

حق انحصاری قانونگذاری متعلق به آفریدگار: آفریدگاری و سیطره تکوینی خدا، مستلزم آن است که زمام قانونگذاری و تشریح نیز در قبضه اقتدار و اختیار او باشد، و همگان ملزم به تبعیت از قانون خدا باشند و دانش بی‌پایان خدا، مستلزم آن است که صلاحیت تنظیم مقررات (که ناگزیر تابع نیازها و مصالح انسان‌هاست) در انحصار او باشد. عبودیت مستلزم آن است که هیچ‌یک از بندگان خدا خودسر و مستقل، حق تحکم و فرمانروایی بر بندگان دیگر نداشته باشد (نفی طاغوت) و زمامدار امور زندگی انسان‌ها فقط کسی باشد که خدا به حکومت برگزیده است یا به شخص، مانند امامان معصوم و/یا به علائم و ملاک‌ها، مانند حاکم اسلامی در زمان غیبت امام معصوم (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۳۹-۳۵).

ب) نبوت و رستاخیز اجتماعی

رهبر انقلاب معتقد است برای هدایت و به سعادت رسیدن انسان، حواس ظاهری، غرائز و خرد بسنده نیست بلکه انسان به عنصری فراتر از آن نیاز دارد و آن هدایت وحی است که نبی به موجب این نیاز مبعوث می‌شود (بقره، ۲۱۳). نبی در وضع اجتماعی منحرف ظهور می‌کند تا به نظام انسانی مطابق با فطرت سامان دهد و «باطل» را به «حق» برگرداند. بشر که سرشتی هماهنگ با سرشت جهان دارد، زمانی به راه تکامل درمی‌آید که در مجرای نظام الهام‌یافته از فطرت جهان و انسان قرار گیرد و با مقرراتی که با ساختمان روحی و جسمی‌اش متناسب باشد اداره شود. دست جهالت و غرض، در طول تاریخ، راه انسانیت را برگردانیده و با تحمیل نظام‌های غیرانسانی، او را از این مسیر فطری برون برده است. نبی در جامعه جاهلی معاصر خود، دگرگونی همه‌جانبه‌ای

باید پدید آورد؛ و این رستاخیزی است که پس از بعثت نبی، در متن جامعه پدید می‌آید و همه آیین‌ها، سنت‌ها، برنامه‌ها و قانون‌های جاهلی برمی‌افتد و دین خدا به جای آن می‌نشیند (قصص، ۲-۵)، این رستاخیز اجتماعی به سود طبقات ستم‌دیده و به زیان طبقات برخوردار و عزیزان بی‌جهت است (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۶۷). هدف نبی از برانداختن نظام جاهلی و برپایی «جامعه عادلانه الهی توحیدی»، «تزکیه» و «تعلیم» است؛ هدف درواقع این است که انسان با قرارگرفتن در مسیر تربیت صحیح به تکاملی هرچه بیشتر نایل آید (حدید، ۲۵؛ اعراف، ۱۵۶).

ج) ولایت

اندیشه توحیدی در صورتی می‌تواند جامعه توحیدی را بنا کند که نخست در اندیشه و عمل یک جمع متشکل و پیوسته، تحقق یابد و این جبهه، وحدت و خلل‌ناپذیری خود را حفظ کند و در جریان‌های فکری و عملی مخالف هضم نشود. این منظور مستلزم آن است که از هرگونه وابستگی، که موجب تضعیف جبهه مومن خواهد شد، بپرهیزند. این جبهه‌گیری فکری در قرآن، ولایت (موالات، تولی) نامیده می‌شود.

زمانی که این جبهه متحد به امت اسلامی تبدیل شد باید برای حفظ وحدت و جلوگیری از نفوذ دشمنان، اصل ولایت را رعایت کند (ممتحنه، ۳-۱). حفظ و رعایت دو رویه «ولایت» یعنی اتصال و ارتباط و وابستگی داخلی و جدایی و تأثیرناپذیری و عدم وابستگی خارجی، مستلزم وجود امام-حاکم اسلامی است؛ یک قدرت متمرکز و مسلط که واحد تبلور یافته‌ای از همه عناصر مثبت و سازنده اسلام است و نیز مستلزم آن است که رابطه‌ای عمیق و نیرومند، همه آحاد امت را به شخص حاکم (امام) پیوند زند و آنان را به او وابسته سازد: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران، ۱۰۳). «ولی» جانشین خدا و مظهر سلطه و قدرت عادلانه الهی در زمین است و از همه استعدادهایی که در وجود انسان‌ها برای تکامل نهاده شده، به سود آنان بهره‌برداری می‌کند. عدل و امن را برای آنان تأمین می‌کند و از بروز جلوه‌های گوناگون ظلم (شرک، تعدی به غیر، تعدی به خود) جلوگیری می‌نماید (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۱۰۵-۹۷).

د) ایمان و مجاهدت

از دیدگاه مورد نظر، ایمان نقطه آغاز حرکت آدمی است و به معنای باور، پذیرش و پایبندی به آن چیزی است که انسان برای آن تلاش می‌کند و باور به راهی که وی را به سر منزل می‌رساند

و بالاخره، باور به خود این تلاش و حرکت. «ایمان» برترین ارزش‌ها و سرآمدترین خصلت‌های انسان است. ایمان از منظر رهبری چند ویژگی اساسی دارد: ۱. ایمان از روی شعور و آگاهی و فهم است و نه از روی تقلید و کورکورانه؛ چراکه ایمان تقلیدی، به ایمان متحجرانه و تعصبی بدل می‌گردد و در قرآن محکوم شده است (خامنه‌ای، ۱۳۵۴: ۱۵). ۲. ایمان همواره در کنار عمل مورد توجه قرار گرفته است و قرآن پاداش‌های دنیوی و اخروی را بر «ایمان توأم با عمل» مترتب ساخته است. قرآن عمل‌های ناشی از ایمان را به یاد می‌آورد و نقش توأم ایمان و عمل را در مرزبندی جامعه اسلامی مشخص می‌کند (همان: ۱۸). به‌طور کلی، از جمله آسیب‌های قرون اولیه اسلامی، خوار شمردن تأثیر عمل در سعادت انسان بود. به‌عبارت‌دیگر، رجوع از طرز تفکر واقع‌بینانه به خیال‌بافانه. انسان اگر به قرآن، سنت پیامبر(ص) و ائمه(ع) مراجعه کند، کاملاً به این اصل پی می‌برد که اسلام دین عمل است. (مطهری، ۱۳۸۶: ۳۴)

ابعاد اسلام از منظر رهبری، با توجه به ابعاد زندگی و نیازهای بشر تعیین می‌شود؛ از آنجاکه دین برنامه‌ای است برای زندگی انسان که می‌خواهد او را به سعادت برساند، بایستی تمام ابعاد زندگی بشری را مورد توجه قرار دهد و برای آن برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری داشته باشد. به همین دلیل اسلام هم ابعاد فردی را مورد توجه قرار داده است، هم ابعاد اجتماعی (به‌معنای اعم). اسلام ناب از این منظر هم به ابعاد معنوی، اخلاقی، الهی و شخصی فرد توجه دارد و هم ناظر به زندگی مردم است و ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در نظر می‌گیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۳/۱۴).

رهبری جدا کردن «دنیا از آخرت» و «زندگی مادی از عبادت» و «دین از سیاست» را از بزرگترین مظاهر شرک می‌دانند و این را نتیجه غفلت از متن اصلی دین اسلام و مهجور ماندن قرآن در میان مسلمین می‌پندارند؛ چراکه جدا کردن دین از سیاست، منجر به انفعال سیاسی می‌شود و سکوت در مقابل استکبار را به دنبال می‌آورد؛ درحالی‌که هیچ ولایتی جز ولایت خدا پذیرفته نیست و اطاعت از ابر قدرت‌ها شرک است. رهبری برای اثبات این مدعا که در دین اسلام به ابعاد سیاسی و اجتماعی بشر توجه شده است و دین از سیاست جدا نیست، دلایل قرآنی، روایی و تاریخی متعددی بیان می‌کنند. جدایی دین از سیاست ممکن نیست چراکه قرآن اقامه قسط را هدف ارسال رسل می‌داند (حدید، ۲۵). با خطاب «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (نساء، ۱۳۵) همه مؤمنین را موظف به تلاش برای اقامه قسط می‌کند. از نظر ایشان، بنای جامعه

اسلامی تشکیل حکومت اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل قشون اسلامی، نامه به سیاستمداران بزرگ عالم، ورود در عرصه سیاسی عظیم بشری آن روز، سیاست است. (انسان ۲۵۰ ساله، ۱۳۹۰: ۳۱).

مؤلفه‌ها و مصادیق اسلام ناب از منظر رهبری

سؤال دوم این پژوهش آن بود که مؤلفه‌ها و مصادیق اسلام ناب و اسلام آمریکایی در اندیشه رهبری کدام است؟ در این قسمت مبتنی بر این سؤال به پاسخ آن در اندیشه رهبری می‌پردازیم.

اسلام ناب، اسلام قرآنی و محمدی (ص)، اسلام کتاب، سنت، و اهل بیت، اسلام عقیده و جهاد، اسلام ظلم‌ستیز، اسلام خصم ظالم و عون مظلوم، اسلام ستیزنده با فرعون‌ها و قارون‌ها، اسلام کوبنده جباران و برپاکنده حکومت مستضعفان، اسلام نجات‌بخش و طرفدار محرومین (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱۰/۳) مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴) اسلام عدل و قسط، اسلام عزت، اسلام اخلاق و فضیلت (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۱۴) اسلام جهاد و شهادت، اسلام علم و معرفت، (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۳/۱۰) اسلام توجه‌دهنده انسان به تعقل و تفکر و تدبیر (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۶) اسلام توحید، اسلام قیام و عمل، اسلام اقدام، اسلام توده مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حسن ظن به وعده الهی که فرمود: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ». (حج: ۴۱) (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۹/۲۱) است.

در نگاه رهبری، در اسلام ناب، فرد و جامعه، معنویت و عدالت، شریعت و عقلانیت، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲). در واقع اسلام ناب در پی مبارزه با تبعیض، سعادت انسان، و تحقق رفاه مردم در کنار معنویت است. در این برداشت از اسلام، بعد اجتماعی و سیاسی در کنار بعد فردی اهمیت دارد، دین از سیاست جدا نیست و اسلام سیاسی همان اسلام معنوی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۳/۱۴) در حقیقت در این نگاه، رهبری با تکه تکه کردن اسلام با اسامی مختلف به شدت مخالفت می‌ورزند.

آنچه که نقطه اصلی تمایز اسلام ناب از غیر آن است توجه به ابعاد اجتماعی در کنار ابعاد فردی است. در اسلام آمریکایی دروغین، اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جدا می‌شود و تنها به ابعاد فردی اسلام توجه می‌شود و ابعاد اجتماعی آن مورد غفلت قرار می‌گیرد (موسی سردشتی، ۱۳۸۸: ۸۴). چراکه توجه به این بعد، که بیشترین سهم را در زندگی بشری

دارد، مستلزم عبودیت انحصاری خداوند و نفی نظامات استکباری، تبعیضی و ظالمانه است؛ مستلزم برپایی حکومت اسلامی، گردن نهادن به قوانین اسلامی، رعایت حقوق اجتماعی افراد، احقاق حقوق مستضعفین و حمایت از آنها، برقراری نظام اقتصادی عادلانه، برپایی عدالت و انصاف اجتماعی، نهادینه کردن مکارم اخلاق و... است. از نظر رهبر انقلاب «آفت دین‌داری این است که دین به زندگی شخصی محدود شود و عرصه وسیع زندگی جمعی انسان‌ها و جامعه را فراموش کند و/یا درباره آن سکوت کند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

از نظر رهبری، لازمه تحقق اسلام ناب، به دلیل توجه به بعد اجتماعی و سیاسی اسلام، برپایی حکومت اسلامی است. «تحقق اسلام ناب جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکان‌پذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه واقعی و حقیقی بکند. لذا امام، حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست. چون صیانت اسلام وابسته به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، تحقق اسلام ناب امکان ندارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴).

ایشان معتقدند تا پیش از انقلاب اسلامی «نام اسلام و حقیقت اسلام به شکل فردی در سراسر دنیای اسلام بود، اما نگاه اسلام به دنیا، به ملت و به امت اسلامی به‌عنوان یک موجود عظیم و دارای استعداد فراوان و قادر به حرکت و بیدار شدن و همچنین توجه به بعد اجتماعی و سیاسی اسلام، نگاهی است که در ایران اسلامی ظاهر شد و به همه دنیا اشعاع کرد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۶/۱۹).

فقه سیاسی در فقه شیعه، از ابتدا، حضور پررنگ داشت، حتی پیش از تدوین فقه استدلالی (دوران شیخ مفید و بعد از ایشان)، اما آنچه که جدید است، نظام‌سازی براساس این فقه است، که این مهم توسط امام خمینی (ره) و مبتنی بر اندیشه اسلام ناب صورت گرفت. امام بر همین اساس، مردم‌سالاری دینی و مسئله‌ی ولایت فقیه را مطرح کردند و نظام اسلامی را برپا کردند. چنین تجربه‌ای برای نخستین بار رخ داد و تا آن روز، این تجربه در تاریخ تکرار نشده بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۱۷). درحقیقت امام، فقه شیعه را به سمت فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۳/۱۴).

به بیان رهبری، اسلام ناب در مقابل شیوه‌های مدیریتی غرب، نسخه عملی برای مدیریت بومی و انسانی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۶) و تحقق آن موجب استقرار آگاهی، هوشیاری، احساس غیرت و مسئولیت در جامعه (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۷/۹) و به دست آوردن عزت، موجودیت و هویت دنیای اسلام است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۲/۲۹).

از نظر رهبری نتیجتاً در چنین فرهنگ دینی، که اسلام ناب بر آن حاکم باشد، آزادی، عدالت، مردم‌سالاری و بسط وحدت در دنیای اسلام وجود دارد. شعار اسلام ناب این است که مسلمانان با وجود اختلافشان در عقاید و در مبانی مذهبی خود، باید اتحاد کلمه داشته باشند؛ روی موارد اتفاقی تکیه کنند و از جریحه‌دار کردن احساسات یکدیگر خودداری نمایند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۲/۶/۱۹).

اسلام غیر ناب (آمریکایی) در اندیشه رهبری

منظور از اسلام آمریکایی در بیانات رهبری، نوعی بیان نمادین است و فقط آن اسلامی نیست که آمریکایی‌پسند باشد، بلکه هرچیزی که خارج از اسلام ناب است را شامل می‌شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۳/۱۴). اسلام آمریکایی اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی، اسلام خرافه و بدعت، اسلام قعود و اسارت و ذلت، اسلام التقاط و جهالت، اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت، اسلام تحجر و غفلت، اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی، اسلام بی‌حالی و افسردگی، اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت، (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۳/۱۰) اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام سوسیالیستی و اسلام‌هایی است که با شکل‌ها و رنگ‌های مختلفی عرضه بشود و آن عناصر (اصلی اسلام ناب) در آن وجود نداشته باشد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲)، اسلام ناکارآمد، اسلام تطبیق‌داده‌شده با اصول آمریکایی و مورد نظر غربی‌ها (۱۳۸۲/۲/۲۹)، اسلام رنگ باخته در مقابل مکاتب بیگانه، اسلام منزوی، اسلام تسلیم‌طلبانه (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۳/۱۴)، اسلام برده‌دلار، اسلام غرق در فساد و اشرافیگری، اسلامی که امتداد و انتهائی در عمل و در توده مردم نداشته باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۹/۲۱). اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، زیاده‌خواهی و دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان و اقویا، اسلامی که با همه اینها می‌سازد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴) است.

در اسلام ناب، امر به معروف و نهی از منکر در متن آن جای دارد اما در اسلام آمریکایی، امر به معروف و نهی از منکر به امور سطحی و به مسائل غیر اصولی توجه می‌کند. اسلام ناب پویاست و با اوضاع و احوال جهان به پیش می‌رود و هرگز به بن‌بست نمی‌رسد، اما اسلام آمریکایی ایستا و متوقف و راکد است و از وضع جهان عقب مانده و به بن‌بست رسیده است (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۶۹: ۶).

در اندیشه رهبری، اسلام آمریکایی چیزی صرفاً به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرت‌های استکباری و توجیه‌کننده اعمال آنهاست، بهانه‌ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان، وسیله‌ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه دین و منحصر کردن دین به مسجد (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین - چنان‌که در صدر اسلام بوده است - بلکه به عنوان گوشه‌ای برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت) است. اسلام آمریکایی مردم را به دوری از سیاست و فهم و بحث و عمل سیاسی می‌خواند؛ ولی اسلام ناب سیاست را بخشی از دین و غیرقابل جدایی از آن می‌داند و همه مسلمین را به درک و عمل سیاسی دعوت می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۱۴).

عوامل گرایش به اسلام غیرناب (اسلام آمریکایی)

در پاسخ به سؤال سوم این پژوهش یعنی اینکه عوامل گرایش به اسلام غیرناب (آمریکایی) در اندیشه رهبری چه مواردی است؟ در ادامه به پاسخ این مسئله می‌پردازیم.

الف) تحجّر

تحجّر در نگاه رهبری، به معنای دفاع بی‌دلیل، جاهلانه و متعصبانه از باورهای ذهنی است، بدون آنکه پایه‌های استدلالی و استنادی مستحکمی داشته باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۱/۸). همچنین تحجّر یعنی نگاه نو به مسائل نکردن، گذران تاریخ و تحول فکر انسان‌ها را نادیده گرفتن، تعالی و ترقی فکر و اندیشه و راه‌های زندگی را انکار کردن و فراموش کردن نقش عقل (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴). رهبری معتقدند اگر فردی که می‌خواهد فقه شیعه را به سمت فقه حکومتی سوق دهد و از مبانی و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا نماید و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را درک کند، نیازهای زمان و لوازم هر

لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و علاج و دستور روز را ارائه دهد و خواهان حکم کردن در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف باشد و اگر در رأس نظام‌های سیاسی‌ای که براساس اسلام تشکیل شده است، یا در آینده تشکیل خواهد شد، چنین روحیه‌ای وجود داشته باشد، یقیناً اسلام در مفهوم حقیقی آن بدنام خواهد شد و منبع لایزال معارف و احکام اسلامی نخواهند توانست جامعه را پیش ببرند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۳/۱۴). خوارج و اخباری‌ها دو گروه از برجسته‌ترین گروه‌های متحجر در جهان اسلام هستند که در انحراف اسلام از مفهوم متعالی نقش ویژه‌ای ایفا کردند (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۴). بدین معنا تحجر به‌مثابه یک خوانش ناقص و انحرافی از دین نقش ویژه‌ای در گرایش به سمت اسلام غیر ناب دارد.

ب) روشنفکری

در نظام فکری رهبری، روشنفکری با دو معنا مستفاد شده است؛ روشنفکری حقیقی در وجه مثبت به‌معنای نوآوری، روشن‌اندیشی، در نظرگرفتن نیاز و تحولات روز و ... و دیگری روشنفکری در وجه منفی و اصطلاحی آن که از رویکردهای اسلام آمریکایی است و در برداشت برخی افراد از اسلام موثر است. در این بخش معنای اصطلاحی روشنفکری مدنظر است.

پیشینه اصطلاح روشنفکری در ایران، مربوط به گفتمان هویتی است که در زمان قاجار در مواجهه با غرب و مدرنیته به‌وجود آمد. ویژگی نسل اول روشنفکران و تجددطلبان، نفی کامل «خود»، پذیرش کامل تجدد و «دیگری»، نفی دین، در نظر گرفتن اعراب به عنوان دیگری جدید ایرانیان و درک قرن نوزدهمی از تجدد بود. آنها معتقد بودند همانگونه که تجدد از طریق نفی کلیسا و روحانیون مسیحی روند تاریخی خود را طی کرده است، هویت جدید ایرانی نیز نمی‌تواند جز با نفی اسلام و علما ساخته شود، چرا که اسلام از نظر آنها تمامی مشکل هویتی ایران و عقب افتادگی و بدبختی تاریخی ایرانیان بود. گفتمان فکری روشنفکران در قالب شعارهای «تسلیم بی‌قید و شرط در برابر غربی‌ها»، «اخذ تمدن فرنگی بدون تصرف ایرانی» طرح و تبلیغ می‌گردید (کچویان، ۱۳۸۷: ۸۶-۷۹).

رهبری در بیانات خویش، جریان روشنفکری را اینگونه توصیف می‌کنند: ویژگی روشنفکری قهر کردن با مذهب بود، قهر کردن با بنیان‌های بومی، دلبستگی و وابستگی بی‌قید و شرط به غرب، پذیرفتن هرچه که از غرب می‌آید، بزرگ شمردن هرآنچه که متعلق به بیگانه است و حقیر

شمردن هرآنچه که مربوط به خودی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲۲). آنها به ملت ایران اصرار و تکرار کردند که تو چیزی نیستی. ارزش‌ها، اعتقادات، تاریخ و بزرگان تو به چیزی نمی‌ارزند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰) و ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود. یعنی دین، اخلاق، لباس، خط، گذشته و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۶). روشنفکران مطالب بیگانه با محتوای دین را در قالب دین عرضه می‌کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۲/۱۵). آنها مدعی ایدئولوژی‌زدایی بودند، درحالی‌که بدون داشتن یک مکتب، فکر و ایمان و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). پیامد این جریان، مصرف‌کننده بودن اقتصادی، فرهنگی و تسلیم و انفعال سیاسی در مقابل غرب بود.

روشنفکری حقیقی، ضامن تحقق اسلام ناب

رهبری در مقابل دو رویکرد تحجر و روشنفکری در برداشت از اسلام، روشنفکری حقیقی و اجتهاد در مسائل را به عنوان نگاه مطلوب معرفی می‌کنند. روشنفکری حقیقی از این منظر، نگاه نو و مبتکرانه به مسائل دینی و فکری اسلامی است و معنایش بدعت‌گذاری نیست؛ روشنفکری حقیقی به معنای فهمیدن و بیان کردن مبانی اسلام با ابعاد جدیدی است که انسان در گذر زمان آن را می‌شناسد (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۷/۹). روشنفکری حقیقی، فکر علمی، نگاه به آینده، فرزاندگی، هوشمندی، احساس درد در مسائل اجتماعی و فرهنگی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲۲). نگاه روشنفکری و تقویت اجتهاد به تکمیل فقه و پاسخگویی در مقابل مسائل روز کمک می‌کند. توصیه و تأکید رهبری به طلاب حوزه علمیه برای تقویت و یادگیری اجتهاد، از این منظر نشئت می‌گیرد: « امروزه موضوعات مورد بررسی در فقه، چنان تطوری یافته که نمی‌توان حکم آن را از آنچه در گذشته گفته شده است، دانست. در چنین مواردی فقهای عصر، باید با روشن‌بینی و احاطه علمی و پایبندی به روش فقاقت از یک‌سو، و آزاداندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر، مفاهیم جدید را در فقه، کشف کرده و احکام تازه‌ای را با استناد به کتاب و سنت، عرضه کنند. » (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴). در این زمینه امام خمینی و شهید مطهری در کلام رهبری، به عنوان شاخص‌های روشن‌فکری حقیقی و نوآوری در مباحث دینی و تبیین‌گر

اسلام ناب معرفی می‌شوند که نوآوری آنها، متکی به مبانی دینی بود و از تحجر و بی‌مبالاتی به دور بود.

نتیجه‌گیری

«اسلام ناب» اصطلاحی است که اولین بار توسط امام خمینی (ره) به کار گرفته شد و هدف از آن ارائه برداشتی جامع و کامل از اسلام بود که تمام ابعاد آن را در نظر بگیرد و به دور از تحریف باشد. انقلاب اسلامی نیز براساس همین جهان‌بینی توسط امام خمینی رهبری شد؛ خوانشی از اسلام که در کنار ابعاد فردی، ابعاد اجتماعی حیات انسان را در نظر می‌گیرد و دین را از سیاست جدا نمی‌کند. «اسلام ناب» در اندیشه فرهنگی دینی آیت‌الله خامنه‌ای نیز مفهومی بنیادین است، به گونه‌ای که تمام ارجاعات و استدلالات ایشان، بر مبنای اسلام ناب صورت می‌گیرد.

دین در معنای عام خود در نگاه رهبری، برنامه، مکتب و آیینی است که به وسیله پیام‌آوری از طرف خدا رسیده است تا به تلاش‌های شخصی و جمعی بشری شکل و جهت دهد و به هدف نهایی آن یعنی برپایی قسط و عدل دست یابد. در این میان، چگونگی فهم دین و برداشت از آن بسیار اهمیت دارد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، طرحی که از دین ارائه می‌شود باید ذهنی و به دور از حیطه عینی و عملی نباشد، نسبت به زندگی جمعی انسان‌ها، خصوصاً نسبت به تعیین شکل و قواره جامعه، نظریه مشخصی ارائه دهد و در استنباط اصول اسلامی، متون اساسی دین، اصل و منبع باشد.

ایشان با هدف ترسیم طرحی جامع از اسلام به معرفی ارکان آن می‌پردازد. ارکان اسلام ناب در نظر ایشان توحید، نبوت، ولایت و ایمان است. در اسلام ناب، تمام ابعاد حیات بشری اعم از فردی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد و دین از سیاست جدا نیست. بعد اجتماعی اسلام تا قبل از توجه امام خمینی به آن و رهبری انقلاب اسلامی، در دنیای اسلام، فراموش شده بود.

اسلام مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام، به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی به‌طور توأمان توجه شده است (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۳).

از نظر رهبری، استکبار ستیزی، اهمیت به تعقل و تدبیر، حمایت از مظلومان و ایثار و جهاد از ویژگی‌های اساسی اسلام ناب است؛ در مقابل اسلام آمریکایی تحت تأثیر تحجر و روشنفکری،

ظلم‌پذیر و حامی مستکبران است. اسلام ناب مفهوم اساسی مورد استفاده در گفتمانی است که رهبری به‌واسطه آن جامعه ایده آل را ترسیم و جامعه کنونی را نقد می‌کند؛ از این رو به منظور دستیابی به عزت ملی، پیشرفت، برنامه‌ریزی بومی و جهت‌دهی تلاش‌ها به شکل صحیح باید به معنا و راهکارهای عملی کردن اسلام ناب توجه کرد.

بررسی اندیشه‌های رهبری نشان از آن دارد که مفهوم اسلام از سال‌های پیش از انقلاب تاکنون رکن اساسی در ارجاعات ایشان بوده است. به عبارت دیگر، این مفهوم صرفاً یک مصداق از اسلام نبوده بلکه ایده کلانی است که در طی زمان مصداقی مختلف به آن ارجاع داده شده است. درحقیقت، رهبری هم به‌مثابه یک متفکر دینی و اجتماعی بزرگ و هم به عنوان شارح اصلح اندیشه‌های امام خمینی (ره) تلاش نموده است تا منظومه مصداقی اسلام ناب را در طی زمان و در مواجهه با تحولات جامعه، به‌طور مستمر، گسترش داده و تکمیل نمایند. از این رو در شرایط کنونی این ایده کلان در مصداقی و حوزه‌های مختلف قابل تسری است. بنابراین ارجاع عرصه‌های عینی زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به مفهوم اسلام ناب و بسط و بازتولید این ایده به این حوزه‌ها در شرایط کنونی یک ضرورت به‌شمار می‌رود.

منابع

- قرآن کریم
- احمد بت، بشیر (۱۳۸۹)، «اسلام ناب محمدی در اندیشه امام خمینی و اقبال لاهوری»، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی (طلوع نور سابق)، ش ۳۱، صص ۸۹-۷۱
- بی‌نا، (۱۳۹۰)، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی-مبارزاتی ائمه معصومین)، گردآوری و تنظیم: مرکز صهبا، تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۸)، خمود و جمود (تحقیقی درباره تحجر عملی و تحجر فکری)، قم: صحیفه خرد.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۷)، «رنالیسم انتقادی حکمت صدرایی»، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ش ۴۲، صص ۱۳۱-۱۱۵
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۵۴)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۲)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۹ الف)، صحیفه امام، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- خمینی، روح الله (۱۳۸۹ج)، *صحیفه امام*، ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۹ج)، *صحیفه امام*، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات.
- علیزاده، بیوک (۱۳۷۱)، *حیات تعقلی اسلام*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- فلاح‌پور، مجید (۱۳۸۱)، «ابعاد و مرزهای اسلام ناب محمدی (ص) از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *مجله علوم انسانی*، دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۴۱، صص ۷۲-۵۵.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۳)، «اسلام ناب در چالش با اسلام تحجری و اسلام امریکایی»، *پگاه حوزه*، ش ۱۳۳، صص ۹۴-۷۷.
- کچویان، حسین (۱۳۸۷)، *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران (ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد)*، تهران: نشر نی.
- کرپیندورف، کلوس (۱۳۸۳)، *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۵)، مؤلفه‌های نواندیشی دینی، بازتاب اندیشه، شماره ۸۱، صص ۲۴-۱۶.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۶۵)، *آموزش عقاید*، ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، *اسلام و مقتضیات زمان*، جلد ۱، تهران و قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی*، مجموعه آثار، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، *احیای تفکر اسلامی*، تهران: صدرا.
- موسوی سردشتی، سکینه (۱۳۹۴)، «بررسی ویژگی‌های اسلام ناب محمدی (ص) در نهج‌البلاغه با تکیه بر نظریات امام خمینی (ره)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلام.
- میرباقری، سید مهدی (۱۳۷۸)، *حکومت دینی و ولایت فقیه*، قم: مؤسسه فجر ولایت.
- نادری، مهدی (۱۳۹۴)، «مبانی و مستندات سیاست استکبار ستیزی در دیدگاه امام خمینی (ره)»، *مجله مطالعات بیداری اسلامی*، ش ۸، صص ۵۳-۳۷.
- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۶۹)، «اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی»، *نشریه مشکوه*، ش ۲۶، صص ۴۶-۳۱.
- سخنرانی‌های، بیانات و پیام‌های مقام معظم رهبری شامل:
- دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲
- دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۷/۸/۲۶
- دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۱۰/۱۰

- در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر، ۱۳۸۹/۹/۴
- در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷/۳/۱۴
- دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۲/۶/۱۹
- دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷
- سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶/۰۳/۱۴
- پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹/۳/۱۰
- خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹/۳/۱۴
- پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۶۸/۴/۱۴
- دیدار مردم مریوان، ۱۳۸۸/۲/۲۶
- پیام به حجاج، ۱۳۹۳/۷/۸
- دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۲/۲۹
- دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی استادان دانشگاه‌های جهان، ۱۳۹۱/۹/۲۱
- دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲
- سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲/۳/۱۴
- دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۶۲/۰۶/۱۹
- خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۷/۹
- دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴
- دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲
- دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۸
- در جمع استادان، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴
- در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۰۲/۲۲
- دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰
- در جمع مردم استان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲
- دیدار گروه کثیری از معلمان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۰۲/۱۵
- دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳
- دیدار استادان و رؤسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۶/۰۷/۹
- پیام به نخستین کنگره علمی تخصصی دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۷۲/۱۱/۱۴